رواق
ویژه‌فرهنگ‌و‌معارف‌رضوی
| سال دوم | ویژه نامه ۴۸۸ |

دیدگاه/غلامرضا اعوانی
فضیلت باید مبتنی بر اختیار باشد
۲

حجت‌الاسلام ذاکر در گفت‌وگو با قدس:
مساجد تراز اسلامی در قالب جشنواره معرفی می‌شوند
۳

دیدگاه اندیشمندان غربی درباره پوشش زنان
حجاب، مقوله‌ای اخلاقی در همه ادیان الهی
۲

روایت اهدای یکی از گرانقیمت‌ترین تمبرهای دوره قاجار به موزه آستان قدس رضوی
داستان یک نذر نایاب
۲

ضرورت معرفی جهانی مشهدالرضا(ع)

شهری که میراثدار تمدن رضوی است

۴

مروری بر چند سند تاریخی درباره پیشینه نگهداری زیرساخت‌های آبی مشهد

«نفقة القنات» سناباد در اسناد آستان قدس رضوی

محمدحسین نیکبخت| تأمین آب مشهد، همیشه یک معضل تاریخی بوده است؛ معضلی که در دوره‌های گوناگون، اُمرا و مسئولان وقت برای رفع آن، اقدام‌های متعدد و متنوعی انجام داده‌اند. قدیمی‌ترین منبع تأمین آب مشهد، قناتی موسوم به «سناباد» بوده است که از قرار معلوم، قدمت آن به پیش از شهادت ثامن‌الائمه(ع) و شکل گرفتن شهر مشهد بازمی‌گردد. قنات سناباد از قدیم‌الایام در زمره موقوفه‌های آستان قدس رضوی قرار داشت. جالب است هیچ نشانی از واقف آن در دست نیست؛ یعنی ما نمی‌دانیم که نخستین بار چه کسی آن را وقف حرم رضوی کرد. در طومار علیشاهی متعلق به اواخر دوره افشاریه، واقف قنات سناباد، نامعلوم ثبت شده است. این قنات پرسابقه و قدیمی در ۱۳۴۰ شمسی به دلیل حفر چاه‌های عمیق و بی‌توجهی نسبت به آن تخریب شد و از بین رفت. آستان قدس به عنوان متولی این موقوفه که روزگاری مهم‌ترین منبع تأمین آب شهر مشهد محسوب می‌شد، اقدام‌های گسترده و دائمی انجام می‌داد و در مجموعه سندهای مرکز اسناد آستان قدس رضوی می‌توان گزارش‌های جالبی درباره پیشینه نگهداری از این قنات پیدا کرد.

■ **معنای «نفقه‌القنات»**

در متون مربوط به دوره‌های صفویه و افشاریه، از هزینه نگهداری قنات با عنوان «نفقة القناة» (نفقة القنات) یاد می‌شود. شاید از خودتان بپرسید مفهوم کلمه نفقه، چندان با قنات جُفت و جور نیست و بیشتر آن را در حقوق و تکالیف مربوط به ازدواج مورد استفاده قرار می‌دهند؛ اما اگر نگاهی به واژه‌نامه‌های مشهوری مانند لغت‌نامه دهخدا بیندازید، درمی‌یابید که این کلمه به معنای «مخارج» و «هزینه» است و به همین دلیل می‌تواند کاربردهایی غیر از آنچه امروزه مرسوم است، داشته باشد. بگذریم؛ در رواق امروز می‌خواهیم درباره دو سند قدیمی که امروزه در مجموعه اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، صحبت کنیم؛ دو سند درباره «نفقة القنات» سناباد که بازتابی از اقدام‌های آستان برای حفظ و نگهداری این قنات قدیمی است.

■ **نگاهی به محتوای دو سند**

هر دو سند مورد بررسی به سال ۱۰۱۱قمری / ۹۸۲شمسی و دوره حکومت شاه‌عباس یکم صفوی تعلق دارد؛ سند اول در ۲۸ ذی‌الحجه این سال (۱۸ خرداد ۹۸۲) و سند دوم در ۲۰ شوال این سال (۱۳ فروردین ۹۸۲) به رشته تحریر درآمده است. در سند نخست که به شماره ۲۲۶۲۰/۳ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، صحبت از یک مقنّی به نام سید حسینعلی چاخو به میان آمده است که طی این ماه، مسئولیت مرمت برخی خرابی‌های قنات سناباد را بر عهده داشته: «اعتراف نمود سیادت نساب حسین‌علی چاهخو (چاهخو: در لهجه مشهدی به معنای چاه‌کن و مقنّی) ولد استاد درویش نیشابوری که مبلغ دو تومان تبریزی رایج خراسان جهت نفقةالقناة سناباد [دریافت کرده است] ... این چند کلمه حسب السند قلمی شد». نویسنده سند فردی به نام «بدرالدین علی بن عبدالعالی» است که نامش را با مقدمه‌ای جالب و قابل توجه در ذیل سند ثبت کرده است: «الهی به حق المصطفی و بن عمّه و سبطه و التسعه الزهرا العزاقل عبدهم بدرالدین علی بن عبدالعالی موقف فی الجنه». سند دوم که با شماره ۲۲۶۲۰/۹ در مکان مذکور نگهداری می‌شود نیز همین مضمون را دارد و سندی از انجام عملیات نگهداری قنات سناباد است: «اعتراف صحیح شرعی نمودند استاد هاشم چاهخو و استاد کلبی که مبلغ دو تومان تبریزی رایج خراسان جهت نفقة القناة [دریافت کرده‌اند] ...». مُهر و امضای نویسنده سند، «فخرالدین احمد بن مرتضی» هم جالب توجه است: «القناعة کنز لایغنی (: قناعت گنج بی‌پایان است – روایتی از امیرمؤمنان علیه‌السلام) عبدهُ احمد بن مرتضی».

■ **چند نکته درباره محتوای اسناد**

بررسی این دو سند درباره نگهداری قنات سناباد نشان می‌دهد مسیر این قنات مشهور، بین مقنّیان مختلف تقسیم شده بود و با اختصاص دو تومان وجه نقد به عنوان مبلغ قرارداد – که البته رقم مناسب و خوبی است – کار نگهداری از قنات سناباد که شامل لایروبی، ترمیم خرابی‌های مسیر و... می‌شد، به وسیله افراد مختلف انجام می‌گرفت. به نظر می‌رسد کار لایروبی را بیشتر در نیمه نخست سال انجام می‌دادند؛ زمانی که آب قنات افزایش می‌یافت و احتمال خرابی و نشست لای در مسیر آن بیشتر می‌شد؛ هر چند که این کار، لزوماً محدود به این فصل و زمان نمی‌شد. قطعات تعیین شده برای نگهداری مسیر، همیشه توسط یک نفر مورد رسیدگی قرار نمی‌گرفت و گاه پیش می‌آمد که حسب نیاز، افراد بیشتری به کار گرفته می‌شدند اما به نظر می‌رسد در دستمزد تعیین شده، تغییری اتفاق نمی‌افتاد؛ هر چند ممکن است مسافتی که به این گروه‌های بیش از یک نفر واگذار می‌شد، به دلیل کارِ سنگین‌تر، کمتر از مسیرهای واگذار شده به مقنی‌هایی بود که به صورت انفرادی یا در برخی موارد با شاگردشان، کارهایشان را انجام می‌دادند.

جهان اسلام

افتتاح بزرگ‌ترین مسجد شیعیان در عمان

مسجد «جامع السلام» مسقط به عنوان بزرگ‌ترین مسجد شیعیان در عمان در زمینی به مساحت ۳۰ هزار مترمربع با ۱۲ هزار و ۸۲۰ مترمربع بنا احداث و در مراسمی با حضور آیت‌الله محسن اراکی، عضو مجلس خبرگان رهبری افتتاح شد. به گزارش فارس به نقل از مرکز خبر حوزه، دوشنبه شب در مراسمی با حضور محمد بن سعید المعمری؛ وزیر اوقاف عمان و آیت‌الله اراکی؛ عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه و رئیس کمیسیون فرهنگی اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام، مسجد جامع السلام بزرگ‌ترین مسجد شیعی عمان افتتاح شد. در این مراسم که با حضور جمعی از علمای شیعه و سنی عمان و شماری از علمای شیعه کشورهای عربی برگزار شد فؤاد الساجوانی، قبیله اللواتیه عمان و وزیر کشاورزی سابق این کشور لوح یادبود این مسجد را به وزیر اوقاف عمان اهدا کرد. مسجد جامع السلام مسقط در زمینی به مساحت ۳۰هزار مترمربع با ۱۲هزار و ۸۲۰ مترمربع بنا به همت اداره اوقاف عمان ساخته شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. بر اساس اعلام روابط عمومی مسجد جامع السلام مسقط، سه‌شنبه شب آیین رونمایی از کتاب «المسجد فی فقه النظام الاسلامی» به قلم آیت‌الله اراکی با حضور رئیس اوقاف عمان، سفیر جمهوری اسلامی ایران و جمعی از علمای شیعه و سنی این کشور برگزار شد.

منبرمجازی

با این‌ها رفاقت نکن!

حجت‌الاسلام حسینی قمی| یکی از موضوعاتی که در بحث آداب معاشرت باید به آن جدی پرداخت، بایدها و نبایدها در آداب معاشرت است. با چه کسانی ما باید رفت و آمد داشته باشیم؟ با چه کسانی نداشته باشیم؟ حکمت ۳۸ نهج‌البلاغه... حضرت به فرزند عزیز خود امام مجتبی(ع) می‌فرمایند: پسرم چهار مورد را در نظر داشته باش... دو تا چهار موردی را اشاره می‌کنند... اگر این چهار تا و آن چهار تا را رعایت کردی دیگر چیزی به تو ضرر و آسیب نمی‌رساند. خیلی باید مهم باشد که حضرت این قدر محکم دارند بیان می‌فرمایند. اول: بالاترین ثروت عقل و خرد و دانایی است. همه آسیب‌های ما در زندگی اجتماعی، سیاسی و شخصی خود برای این است که از عقل و خرد خود استفاده نمی‌کنیم. دوم: نقطه مقابل آن ...بزرگ‌ترین فقر نادانی است، نه نداشتن مال. سوم: خیلی تعبیر عجیبی است. وحشتناک‌ترین وحشت، خودپسندی است. می‌دانید آدم‌های خودپسند هیچ کسی را آدم حساب نمی‌کنند... چهارم: وَ أَکْرَمَ الْحَسَبِ حُسْنُ الْخُلُقِ، نمی‌خواهد بگردید که پدر من که بوده است، جد من که بوده است، اجداد من که بوده است، این‌ها مهم نیست. بالاتر از این‌ها اخلاق است. الان ببینید آدم‌هایی که شناخته شده هم نیستند ولی اخلاق دارند، جاذبه دارند، همه آن‌ها را دوست دارند. آدم‌هایی هم که شخصیتی هستند، آقازاده فلانی هست، پسر که هست، به دلیل اینکه اخلاق ندارند مردم از آن‌ها فاصله می‌گیرند. این چهار تای اول و اما چهار مورد که نباید انجام بدهید... از صداقت و رفاقت با انسان‌های نادان بپرهیزید. ... دل آن‌ها می‌خواهد به شما نفعی برسانند ولی از سر نادانی به شما ضرر می‌رسانند... با آدم‌های بخیل رفت و آمد نداشته باشید. چرا؟ حضرت برای همه هم دلیل آوردند. آدم بخیل آن روز که شما به او احتیاج دارید شما را تنها می‌گذارد. دوستان واقعی باید در گرفتاری‌ها به فریاد هم برسند.

با آدم‌هایی که پایبند مسائل دینی و مذهبی نیستند... حلال، حرام، خوب، بد، هیچی... با این‌ها معاشرت نکنید. حضرت می‌فرمایند چون به اندک چیزی شما را می‌فروشند. دین ندارد. باور ندارد. خدا و پیامبر را قبول ندارد. مورد چهارم: از معاشرت و رفاقت با آدم کذّاب بپرهیزید. یک وقت یک کسی یک دفعه دروغ می‌گوید نمی‌خواهد با او قطع رابطه کنید. اما کذاب یعنی کسی که دروغگویی یک بخشی از زندگی اوست...این آدم به تعبیر حضرت علی(ع) مثل سراب می‌ماند. دور را نزدیک جلوه می‌دهد و نزدیک را دور جلوه می‌دهد.

نیمکت زندگی

حالا عشق می‌کارد

رقیه توسلی| «عمو وهاب» را عمریست به کشاورزی می‌شناختم. سه چهارتایی درازگوش خاکستری هم داشت که اهالی برای بارکشی و سواری می‌رفتند سراغش. سرزنده و خوشرو، از پیران دانا و آدم حسابی‌های روزگار. هشتاد را رد کرده بود گمانم اما بارها دیدم تبر به دوش از سَرِ زمین برمی‌گردد. از آن‌هایی که نانش را با سگ گرسنه نصف می‌کرد، برای پسران می‌رفت خواستگاری، مرز دزدی همسایه را به رویش نمی‌آورد، برای نوه‌های خودش و بقیه دست به جیب بود، بخشی از محصولش را برای دهه محرم می‌گذاشت کنار، ارثیه پدری‌اش را وقف می‌کرد و... .

دیروز از حرف‌های «بی‌بی طیبه» بُهتم زد وقتی صحبت رسید به عمو. گفت حاجی وهاب که رفت مادرجان. خبر نداری؟ چند ماهی می‌شود. وسط برج گرما رفت. اول با چهار دخترش صلاح مشورت کرد، از کوچیک و بزرگ حلالیت گرفت، تکلیف اموالش را مشخص کرد، بعد صلات ظهری همه‌مان را دعوت کرد حسینیه به نیت اطعام برای «گل خاتون» همان جا مطلعمان کرد چه تصمیمی دارد.

گفت باید برود. برود پابوس امام هشتم. خادم شود. پیش گل خاتون. نزدیک زنش. برود مجاور شود. همان جا بماند و زندگی کند این چند صباح مانده را. گفت بیست سال پیش یک خانه نزدیکی‌های حرم برای پیری‌شان دست و پا کردند که اجل مهلت نداد به با هم بودنشان. حالا می‌خواهد سمت مشهد باشد. از هولایتی‌ها دعای خیر می‌خواست. گفت وقت ماندنش نیست وگرنه بهتر از دیدن روی ماه شما و بهتر از این دهات مگر هست!؟

مشغول هضم اخبارِ شنیده بودم که بی‌بی یکهو شکل باقلوا خورده‌ها، صورتش شیرین شد و گفت: آنجا هم پیرمرد بیکار ننشسته. خانه‌اش را کرده زائرسرا. شده همسایه امام رضا(ع) قربانش بروم. درِ چهاردیواری‌اش را باز گذاشته روی زُوّار. بعد با لبخند بی‌دندان ادامه داد؛ به خدای احد و واحد با همین دو تا چشم خودم دیدم وهاب پیر، کمک پیرمردها می‌کند بروند زیارت. عصاکششان شده. عشق خیلی والامقام است مادرجان. چیز غریبی‌ست. پیر و جوان ندارد.

مجازباد

بیت‌المال خرج سلبریتی‌ها می‌شود!

عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند گفت: بسیاری از شهروندان به جای اینکه استادان را از طریق کتاب و مقالات آن‌ها بشناسند به پست‌ها و نظرات آن‌ها در فضای مجازی توجه می‌کنند. این‌ها مسائلی هستند که لازم است در فضای علمی کشور مورد توجه قرار دهیم.

حمید مسعودی، عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند، دیروز در همایش «فرهنگ و هویت‌های دیجیتال دانشگاه» با موضوع «شناخت بازنمایی هویت دانشگاهیان با کمک نتنوگرافی» به سخنرانی پرداخت. در ادامه بخشی از سخنان وی و سپس سخنان احسان شاه‌قاسمی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران را می‌خوانید. «تفاوت دسترسی، مهارت و نیاز متفاوت دانشگاهیان با افراد خارج از دانشگاه به فناوری و فضای مجازی سبب شده شاهد حضور بیشتر آن‌ها در این عرصه باشیم. جوامع آنلاین را چنین بیشتر آن‌ها در فضای مجازی خیلی کم مورد بررسی هویت دانشگاهیان در فضای مجازی خیلی کم مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از بهترین روش‌ها در این زمینه مردم‌نگاری است و وقتی مردم‌نگاری وارد فضای مجازی می‌شود تبدیل به نتنوگرافی می‌شود که روشی کیفی و از نوع پژوهش‌های عمیق است. داده‌هایی که توسط انبوهی از کاربران به‌خصوص کاربران دانشگاهی تولید می‌شود توسط محققان، تحلیل و تبدیل به جامعه‌شناسی در فضای مجازی می‌شود. مردم‌نگاری به‌شدت محقق‌محور است و به واحدهای اجتماعی که متشکل از شبکه‌های اینترنتی و مجموعه‌ای از کاربران هستند تعریف می‌کنیم. دانشگاهیان به صورت همیسته یا چیزی فراتر از فضای دانشگاهی اقدام به تشکیل این واحد آنلاین می‌کنند و به همین واسطه شاهد بازنمایی هویت آن‌ها در فضای مجازی هستیم و لازم است چنین مسائلی را مورد تحقیق قرار دهیم.

احسان شاه‌قاسمی نیز در این همایش گفت: «در کدام کشور دنیا پول بیت‌المال هزینه سلبریتی‌ها می‌شود؟ وقتی به این فرصت‌طلب‌ها و افراد بی‌سواد بلند نیستند. آن‌ها هیچ دستاوردی ندارند و اقداماتشان فقط ارزش نمایشی دارد. وقتی پول را خرج آن‌ها می‌کنید در دانشگاه‌های ما فاجعه اتفاق می‌افتد. ما به سلبریتی‌ها خدمات ایمنی و امنیتی می‌دهیم، در حالی‌که هر کسی به آن‌ها اعتماد کند دچار اشتباه شده است چراکه بسیاری از سلبریتی‌ها سر همه را کلاه می‌گذارند اما چون ما دانشگاهیان در شأن خودمان نمی‌دانیم، با آن‌ها مبارزه نمی‌کنیم؛ هرچند خود بنده از معدود افرادی هستم که با آن‌ها مبارزه می‌کنم اما چون بسیاری از افراد از تبعات آن می‌ترسند با سلبریتی‌ها گلاویز نمی‌شوند».

دیدگاه

غلامرضا اعوانی

فضیلت باید مبتنی بر اختیار باشد

غلامرضا اعوانی با بیان اینکه در همه تعاریف حکمت، فضیلت سهم بسیار مهمی دارد، گفت: اخلاق، مبتنی بر فضیلت و اختیار است و خداوند همه صفات خود از جمله اختیار را به انسان داده است. به گزارش ایکنا، مراسم بزرگداشت روز جهانی فلسفه با عنوان «فلسفه و اخلاق اجتماعی» دوشنبه ۳۰ آذرماه با حضور غلامرضا اعوانی، حجت‌الاسلام والمسلمین عسکر دیرباز، محمدجواد لاریجانی، حجت‌الاسلام والمسلمین احمد حسین شریفی و حسین غفاری در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد. غلامرضا اعوانی در این مراسم گفت: بحثم را با تعریف فلسفه آغاز می‌کنم چون در فلسفه اسلامی تعریف خیلی مهم است. موضوع علم باید تعریف شود برای اینکه مسائل علم، عوارض ذاتی موضوع است. اگر ندانید موضوع چیست مسائل مخلوط می‌شوند، بنابراین تعریف موضوع بسیار مهم است. در هر تعریف از حکمت، اخلاق گنجانده شده است. باید به این نکته هم توجه داشته باشید که در قدیم بین اخلاق فردی و اجتماعی فرق نبوده و پیوسته بوده است؛ اخلاق یا سیاست از تباط داشته و سیاست با اخلاق. وی افزود: براساس یک تعریف، حکمت علم به حقایق اشیاست که شامل انسان هم هست، در حقیقت نمی‌شود انسان را از اخلاق صرف‌نظر کند. براساس یک تعریف دیگر، حکمت، استکمال نفس انسانی است. استکمال نفس با فضیلت و بعد اصلی او الهی است. این ایده مبتنی بر نظریه اسما و صفات است. همه این صفات الهی در انسان هست. نفس انسان یافته از ایده‌های الهی است. بنابراین تشبه به اخلاق به معنای تخلق به اخلاق الهی است. شما اینجا به جهان بینی دینی نزدیک می‌شوید.

اعوانی ادامه داد: در همه تعاریف حکمت، فضیلت سهم بسیار مهمی دارد. اخلاق، مبتنی بر فضیلت و اختیار است. خداوند همه صفات خود را به انسان داده و یکی از صفات خداوند اختیار است. بنابراین عمل فضیلت باید مبتنی بر اختیار باشد. در عین حال گرایش‌های زیادی در اسلام بوده که اجازه انسان را نفی می‌کردند. ما باید این گرایش‌ها را بررسی کنیم و به آن‌ها پاسخ دهیم.

وقف و نذر

روایت اهدای یکی از گرانقیمت‌ترین تمبرهای دوره قاجار به موزه آستان قدس رضوی

داستان یک نذر نایاب

مستأجر حقیقی| اشیای تاریخی و هنری ارزشمند بسیاری در موزه‌های کشور نگهداری می‌شوند؛ آثاری که اگر تلاش بی‌وقفه مجموعه‌داران و فعالان حوزه میراث تاریخی و فرهنگی نبود، شاید در گذر زمان از بین می‌رفتند یا از موزه‌های خارج از کشور سر درمی‌آوردند. «حمیدرضا بادکوبه هزاوه» از جمله این مجموعه‌داران است که به همتش یکی از نایاب‌ترین تمبرهای تاریخی ایران به موزه تمبر حرم مطهر رضوی اهدا شد تا علاوه بر حفظ و نگهداری برای نسل‌های آینده، در معرض نمایش و دید عموم قرار گیرد.

این مجموعه‌دار ۴۳ ساله، کارمند و اهل اراک است. او تمبری را که به‌اصطلاح به آن «یک تومان برنز» گفته می‌شود و متعلق به دوره قاجار و از گران‌ترین تمبرهای ایران نیز به شمار می‌آید، در شهر پوره‌ماه سال جاری به موزه رضوی اهدا کرد. در ادامه پای سخن حمیدرضا بادکوبه هزاوه می‌نشینیم تا با فعالیت‌های او و داستان اهدای این تمبر نفیس بیشتر آشنا شویم.

■ **معرفی تمبر**

در ابتدا از بادکوبه هزاوه در خصوص این تمبر نفیس می‌پرسم، او می‌گوید: تمبر «یک تومان برنز» روی کاغذ آبی در تعداد ۵۰۰ قطعه سال ۱۲۵۶ شمسی برابر با ۱۸۷۸ میلادی در دوره ناصرالدین شاه قاجار منتشر شده و در حال حاضر از آن تنها حدود هشت قطعه تمبر سالم و مصرف نشده در دنیا وجود دارد. همچنین این تمبر فقط به صورت تکی یافت می‌شود و تاکنون به صورت جفتی یا بلوک دیده نشده است. در واقع این تمبر، یکی از تمبرهای شیر و خورشید؛ نخستین تمبرهای چاپ شده ایران محسوب می‌شود. حتی شناخت باطل شده از آن نیز تعدادشان کم است و ارزش بالایی دارند.

او در ادامه به دوران کودکی‌اش برمی‌گردد و بیان می‌کند: فعالیتم در حوزه مجموعه‌داری را از سال ۱۳۶۸ و دوران مدرسه با گردآوری تمبرهای خارجی آغاز کردم. یکی از دوستانم که تمبر جمع می‌کرد، می‌خواست تمبر بخرد، من هم یک روز همراهشم رفتم و با دنیای زیبا و جدید تمبرهای خارجی آشنا شدم. وقتی تمبرهایی از کشورهای مختلف، آن هم با طرح و نقش‌های گوناگون دیدم، ترغیب شدم دست‌کم در حد یک آلبوم کوچک تمبر جمع کنم. اما این دنیای تازه و جالب چنان مجذوبم کرد که از حدود سال ۱۳۷۴ شروع به گردآوری تمبرهای یادگاری ایران از دوره‌های مختلف تاریخی کردم. البته تمبرهای دوره قاجار را از دهه ۹۰ شمسی جمع می‌کنم، چون پیش از آن امکان دسترسی به فرد متخصصی در این حوزه نداشتم.

این مجموعه‌دار اراکی می‌افزاید: ورق زدن آلبوم‌های تمبر به من آرامش فکری و روحی می‌دهد. همچنین تشویقم می‌کند با پس‌اندازم مجموعه‌های تمام نشدنی است، یعنی وقتی این کار به یک مشت دلش این کار را انجام می‌کند، چون از ته دلش می‌آید، خدمتش ارزشمند است.

■ **بهترین مکان برای حفظ میراث فرهنگی**

بادکوبه هزاوه دفتر خاطراتش را هم ورق می‌زند و تعریف می‌کند: آشنایی‌ام با موزه آستان قدس رضوی به اواخر دهه ۸۰ شمسی برمی‌گردد. در آن زمان موزه غنای امروزی را نداشت. حتی یادم است در دفتر پیشنهادات موزه، راه‌های تشویق مردم به جمع‌آوری تمبر و ورود به دنیای بزرگ و گسترده مجموعه‌داری تمبر را نوشتم.

او با تأکید بر ارادت خاصی که به امام رضا(ع) دارد، می‌گوید: همیشه وقتی از موزه بارگاه ملکوتی رضوی دیدن می‌کردم، دلم می‌خواست نفیس‌ترین و کمیاب‌ترین اشیای تاریخی در معرض دید بازدیدکنندگان آن باشد. به‌خصوص که این موزه میزبان حضور گسترده زائرانی از اقصی نقاط جهان است و در مقایسه با سایر موزه‌های کشور تعداد بازدیدکنندگان بسیار بیشتری دارد بنابراین بهترین مکان برای حفظ میراث فرهنگی محسوب می‌شود.

■ **خدمت در پرتوی عنایت امام رضا(ع)**

این مجموعه‌دار تصریح می‌کند: تهیه این تمبر هم داستان طولانی دارد و آن را در مزایده خریدم. در این بین، خدا را شاکرم که خریداری آن را به نیت اهدا به موزه امام رضا(ع) پیگیری کردم و از ته قلب خواستم این اتفاق بیفتد. شاید اگر این تمبر را برای مجموعه شخصی‌ام می‌خواستم، موفق به تهیه آن نمی‌شدم. جالب است بدانید حتی برنامه سفرم به مشهد برای اهدای تمبر و برگشت به شهرم هم در پرتوی عنایت این امام رئوف(ع) درست شد.

از بادکوبه هزاوه درباره حسن درونی‌اش پس از اهدای این تمبر کمیاب می‌پرسم و او پاسخ می‌دهد: این حس وصف‌نشدنی است. امام رضا(ع) دوستدار و عاشق زیاد دارند که همه آن‌ها از نه دل تلاش می‌کنند در حد توان خود خدمتی به آستان مقدس این امام هم‌مام کنند. حتی زائری که یک مشت گندم برای کبوترهای حرم امام رضا(ع) نذر می‌کند، چون از ته دل کار را انجام می‌دهد، خدمتش ارزشمند است.

■ **اهمیت اهدای آثار تاریخی**

او همچنین درباره فعالیت‌هایش در زمینه حفظ میراث فرهنگی و اشاعه فرهنگ وقف و اهدای آثار فرهنگی در جامعه می‌گوید: تا جایی که در توان داشتم در این مسیر تلاش کردم. به طور مثال، همیشه در گروه‌های دوستان مجموعه‌دار مطرح کردم تا جایی که می‌توانید از آثارتان دل بکنید، آن‌ها را به موزه‌ها اهدا کنید تا مردم هم این آثار را از نزدیک ببینند و به دانش آنان افزوده شود به‌خصوص که ممکن است برخی افراد از ارزش تاریخی اثری که به طور مثال از پدربزرگشان به آنان رسیده، مطلع نباشند و آن اثر به دلیل این ناآگاهی و نگهداری نادرست در خانه‌شان از بین برود. در این بین، فراموش نکنیم بعضی از اشیای تاریخی ارزش مادی زیادی دارند و برخی افراد با این نگاه که ممکن است یک روزی گرفتار مشکلات مادی شوند و نیاز به فروش این اشیا داشته باشند، آن‌ها را به عنوان سرمایه‌ای برای آینده خود و خانواده‌شان گردآوری می‌کنند. به عبارتی برخی افراد فعال در این حوزه، مجموعه‌دار نیستند بلکه سرمایه‌دار هستند.

دیدگاه اندیشمندان غربی درباره پوشش زنان

حجاب، مقوله‌ای اخلاقی در همه ادیان الهی

مسئله «حجاب» از مسائل روز در کشورهای جهان از جمله غرب است. البته سیاستمداران و نه اندیشمندان غرب مدت‌هاست در مواجهه با مقوله حجاب اسلامی و به‌خصوص در ایران به گونه‌ای رفتار می‌کنند انگار حجاب تنها از زمان ظهور اسلام به وجود آمده و در رفتارهای اجتماعی بروز پیدا کرده است. این در حالی است که شواهد تاریخی نشان می‌دهد حجاب پیش از ظهور اسلام نیز وجود داشته و مطرح بوده است. خبرگزاری «شبستان» در گزارشی این موضوع را مورد بررسی قرار داده که در ادامه می‌خوانید.

■ **ممنوعیت نمادین یا سیاسی؟**

بحث و جدل درباره «حجاب» در سال‌های اخیر به گفتمان رایج بیشتر کشورهای جهان از جمله غرب تبدیل شده، به‌طوری که با اعمال ممنوعیت‌های مختلف از جمله جریمه نقدی و یا رأی‌گیری برای ممنوعیت حجاب در اماکن عمومی در کشورهای غربی تلاش می‌شود عرصه را بر مسلمانان این کشورها تنگ‌تر کنند.

برخی تحلیلگران معتقدند اقدامات بعضی کشورهای غربی مانند سوئیس در ممنوعیت حجاب، بیشتر نمادین است تا سیاسی، با وجود این می‌توان گفت ظاهر و نوع پوشش زن در حال حاضر در عرصه سیاسی برای غرب اهمیت خاصی دارد. اگر به زمان‌های دور برگردیم می‌توان دید پوشاندن صورت و بدن زنان پیش از ظهور اسلام نیز وجود داشته است.

با این حال، در سال‌های اخیر کشورهای عمدتاً مسیحی، پوشش زنان را به عنوان نوعی اسلام رادیکال تلقی کرده و با آن مشکل دارند. اما با نگاه مختصری به تاریخ می‌توان متوجه شد زنان مسیحی و یهودی پیش از ظهور اسلام جزو اولین کسانی بودند که این نوع پوشش را داشتند.

در سنت مسیحی، حجاب نماد کرامت و عفت بود. به طور کلی مسئله پوشش زنان و ارتباط آن با تقوا و رعایت احکام اخلاقی، بخشی از آموزه‌های مسیحیت است. حجاب و روسری تا پیش از قرن بیستم جزو پوشاک زنان اروپایی بود. اگرچه با گذشت زمان، حجاب معنای خود را در غرب از دست داد و به معنای «محدودیت» تعبیر شد.

متأسفانه این موج حجاب‌ستیزی به مرور و همراه دیگر هنجارهای غربی روانه خاورمیانه هم شد به‌طوری که تعدادی از کشورهای این منطقه به پوشش زنان از زاویه دیگر پرداختند. در ترکیه از دهه ۱۹۳۰ میلادی در مؤسسات عمومی ممنوع شد. برای سال‌های متمادی حجاب در مناطق شهری این کشور به‌ندرت دیده می‌شد اما در طول دهه ۱۹۷۰، مهاجرت از مناطق روستایی به داخل شهرها و شهرها سبب شد شمار زنان محجبه افزایش یابد و حجاب در شهرها دیده شود.

■ **برپایی نمایشگاه حجاب**

در سال ۲۰۱۸ میلادی، موزه بین‌المللی ولت در وین پایتخت اتریش نمایشگاه ویژه‌ای با عنوان «حجاب» برگزار کرد. مجموعه‌ای از آثار به نمایش گذاشته شده، زوایای متفاوتی از حجاب را نشان داد. راهنمای این نمایشگاه با دقت طراحی شده بود و شامل نمونه‌هایی از پوشش و حجاب در طول قرن‌های متمادی بود.

«سوزانا بوگارتس» استاد تاریخ مدرن دانشگاه بازل (شمال سوئیس) که در سال ۲۰۱۶ میلادی از منظر فرهنگی- تاریخی مقاله‌ای علمی با عنوان «زنان پوشیده؛ حجاب در آغاز اروپای مدرن» منتشر کرد، می‌گوید: «اهمیت حجاب روشن است. جدا کردن زنان از پوشش در غرب فرایند صریح و مستقیمی نداشته است. همچنین تحول تاریخی برای برداشتن حجاب زنان نیز فرایند خطی نبوده است. اگرچه حجاب در دنیای سکولاریزه از ویژگی مذهب خود تهی شد، اما معنای خود را کاملاً از دست نداده است».

بوگارتس در پاسخ به این پرسش که «چگونه به تبدیل شدن مسئله پوشش سر و حجاب از یک موضوع اخلاقی و مذهبی و جنسیتی به بحث سیاسی که امروز شاهد آن هستیم، نگاه می‌کنید؟» می‌گوید: «لباس به‌طور کلی و حجاب به‌طور خاص، مملو از معانی فرهنگی گسترده بوده و هنوز هم هست و از نظر سیاسی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور مثال روحانیون در فرهنگ‌های مختلف حجاب را دارای ابعاد اخلاقی می‌دانند. حتی می‌توان گفت حجاب بارها به مسائل مربوط به قدرت تبدیل شده به‌طوری که در انتخابات مختلف در اروپا رقیبان برای رسیدن به قدرت از مسئله آزادی یا ممنوعیت حجاب استفاده می‌کنند».

■ **تقابل سکولاریسم با اسلام**

بوگارتس همچنین درباره کسانی که از حجاب استفاده می‌کنند، می‌گوید: «حجاب می‌تواند از آن‌ها حفاظت کند. در سال‌های اخیر حجاب و پوشش سر به عنوان نمادی آشکار برای مبارزه بین غرب سکولار و اسلام تبدیل شده است. غرب شعار آزادی انتخاب سر می‌دهد، اما محدود کردن نوع پوشش این آزادی انتخاب را با مشکل مواجه کرده است».

او اضافه می‌کند: «در دایرة‌المعارف کرونینست آمده در برخی از کشورهای غربی نقاب و حجاب تا به امروز به عنوان یک مد محبوب باقی مانده و پارچه‌ها در مناطق پیشرو نساجی از جمله شمال ایتالیا، زوریخ و سیلسیا برای تمام اروپا تولید می‌شود. همچنین زنان مشهوری مانند پرنسس مونائو تا قرن بیستم از این نوع حجاب استفاده می‌کردند».

تنها در سال‌های اخیر در غرب بوده که زنان مجبور شدند از نقاب استفاده نکنند و فقط پوشش سر داشته باشند. اگرچه این موضوع نیز در شماری از کشورهای اروپایی امروز با چالش مواجه شده و زنان مسلمان برای حق مسلم خود به سختی افتاده‌اند حتی تندروهای افراطی، آن‌ها را مورد حمله و ضرب و شتم قرار می‌دهند.

در همین حال، «فرانتس فانون» نویسنده فرانسوی درباره حجاب می‌گوید: «مأموریت نیروهای اشغالگر فرانسوی در کشور الجزایر این بود هویت و اصالت فرهنگی ملت الجزایر را از بین ببرند، به همین دلیل بر مسئله پوشش و حجاب زنان متمرکز شدند و همه تلاش خود را برای اجرای برنامه‌هایشان انجام دادند».

■ **دژ مستحکم در برابر نفوذ غرب**

فانون اضافه می‌کند: «اشغالگران، حجاب را نشانه مهمی از اصالت ملی زنان الجزایر می‌دانستند. آن‌ها معتقد بودند با تحت تأثیر قرار دادن زنان می‌توان به تار و پود جامعه اسلامی الجزایر حمله کرد. فرانسه برای مبارزه با حجاب زنان هزینه سنگینی کرد، زیرا معتقد بود حجاب زن دژ محکمی در برابر نفوذ غربی‌هاست».

فانون تأکید می‌کند: «غرب می‌داند کنار گذاشتن حجاب توسط زنان راه را برای تسلط آن‌ها بر کشورهای اسلامی هموار می‌کند زیرا آن‌ها معتقدند کشورهای اسلامی یک گام به پذیرش و تسلیم شدن دربرابر استعمارگران نزدیک می‌شوند».

برهمین اساس می‌توان گفت غرب و کشورهای عربی- اسلامی امروز در زمینه حجاب و پوشش باید مروری به گذشته داشته باشد، چرا که حجاب تنها مؤلفه دین اسلام نبوده است، بلکه مؤلفه همه ادیان آسمانی و الهی است و اگر ادیان الهی به‌خوبی بررسی و مطالعه شوند می‌توان دریافت در بسیاری از مقوله‌های اخلاقی و دینی همچون حجاب با یکدیگر قرین هستند، به‌طوری که امروز در برخی از کشورهای غربی می‌توان حجاب را در میان پیروان ادیان آسمانی دیگر به غیر از مسلمانان مشاهده کرد. اینکه چرا امروز غیر با مسئله حجاب به خصومت علیه دین اسلام و پیروان آن می‌پردازد و می‌خواهد با مسئله حجاب به کمرنگ کردن و ضربه زدن به دین اسلام در میان جهانیان اقدام کند، جای سؤال و تأمل دارد.

گفته‌وگو

حجت‌الاسلام ذاکر در گفت‌وگو با قدس:

مساجد تراز اسلامی در قالب جشنواره معرفی می‌شوند

مهدیه قمری| مسجد تراز اسلامی دارای ویژگی‌هایی است که رهبر معظم انقلاب بارها در متونات خود به آن اشاره داشته‌اند. ایشان علاوه بر اینکه مساجد تراز اسلامی را پایگاه فعالیت‌های اجتماعی و منشأ خیر و برکت دانسته‌اند، این اماکن مقدس را هسته مقاومت فرهنگی، سیاسی، امنیتی و نظامی عنوان کرده‌اند.

معاونت فرهنگی اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور در قالب برگزاری جشنواره‌ای برای نخستین بار قصد مساجد تراز اسلامی در تهران را به جامعه معرفی کند.

این طور که معاون فرهنگی اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد می‌گوید، این جشنواره با هدف معرفی مسجدهای موفق عضو شبکه محله‌محور مسجدپایه، الگونمایی مسجد تراز اسلامی و قدردانی از فعالان و کارگزاران این مسجدها برگزار می‌شود.

■ **فعالیت بیش از ۳۰۰ مسجد عضو شبکه محله‌محور در تهران**

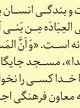

حجت الاسلام حجت الله ذاکر ادامه می‌دهد: در حال حاضر بیش از ۳۰۰ مسجد عضو شبکه محله‌محور در تهران فعالیت دارند و هر کدام در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اقدامات قابل توجهی را انجام داده‌اند.

دوران شیوع کرونا این مسجدها فعالیت‌های مختلفی انجام دادند که بسیاری از آن‌ها نه تنها سبب افزایش مشارکت مردم شد بلکه میزان هم‌افزایی در جامعه از ارتقا داد.

معاون فرهنگی اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور این فعالیت‌ها را سبب شکل‌گیری ایده برگزاری یک جشنواره در حوزه مسجد می‌داند و اضافه می‌کند: جلسات متعددی در این معاونت برگزار و پس از تشکیل کارگروهی ویژه در این خصوص، اقداماتی برای مراحل اولیه برگزاری این جشنواره انجام شد.

به گفته حجت‌الاسلام ذاکر، برگزاری یک جشنواره با عنوان «مساجد تراز اسلامی» هم می‌تواند اقدامات خوب مسجدها را معرفی کند و هم الگویی برای مسجدهای کشور باشد.

■ **ارسال گزارش عملکرد مسجدها تا ۱۵ آذرماه ۱۴۰۱**

این مقام مسئول با اشاره به اینکه این جشنواره برای نخستین بار است که برگزار می‌شود، متذکر می‌شود: ارسال گزارش عملکرد مسجد برای شرکت در این جشنواره تا ۱۵ آذرماه ۱۴۰۱ است و نیمه دوم آذرماه امسال نیز مسجدهای برگزیده معرفی می‌شوند.

به گفته او، دبیرخانه این جشنواره گزارش عملکرد مسجدها را که به صورت مکتوب یا فیلم به دستش رسیده با محوریت منویات رهبر معظم انقلاب درباره مساجد تراز اسلامی و ویژگی‌های آن بررسی می‌کند.

معاون فرهنگی اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور درخصوص اهدای جایزه به مسجدهای برگزیده نیز بیان می‌کند: به پنج مسجد رتبه نخست، هر مسجد ۴ میلیون تومان؛ به پنج مسجد رتبه دوم، هر مسجد ۶میلیون تومان و به پنج مسجد رتبه سوم، هر مسجد ۴میلیون تومان جایزه نقدی اهدا می‌شود.

■ **فعالیت‌های شاخص مسجدها الگو می‌شود**

حجت‌الاسلام ذاکر یکی از ویژگی‌های مهم این جشنواره را الگو شدن فعالیت‌های شاخص مسجدهای تهران برای سایر مسجدها در کشور عنوان و بیان می‌کند: پس از ثبت اطلاعات مربوط به عملکرد خود، از طریق ناحیه‌های مرتبط مرکز مورد ارزیابی اولیه و صحت‌سنجی قرار می‌گیرند، سپس در کارگروه تخصصی، ارزیابی نهایی و بنا بر شاخصه‌های ابلاغی، داوری انجام و مسجدهای موفق با اولویت رتبه‌بندی انتخاب و معرفی می‌شوند.

■ **ویژگی‌های مسجد تراز اسلامی**

او گریزی به ویژگی‌های مسجد تراز اسلامی می‌زند و می‌گوید: فعالیت مسجدها در همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و...، سرآمد بودن در این نوع از فعالیت‌ها، تبدیل مسجد به یک پایگاه فعال اجتماعی، مشاوره مردم، راهنمایی به مردم محل درباره انجام فعالیت‌های اقتصادی مناسب و... تنها بخشی از این ویژگی‌هاست.

نام مسجد یادآور بندگی در برابر پروردگار متعال است. مسجد، جایگاه سجده و سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خدا «السُّجودُ مُنتَهَی العِبَادَه مِن بَنی آدَم» و جایگاه عبادت خالصانه است. «وَأَنَّ المَسَاجِدَ لِلّهِ فَلَا تَدعُوا مَعَ اللّهِ أَحَدا»، مسجد جایگاه خدا و برای خداست، پس با خدا کسی را نخوانید.

به گفته معاون فرهنگی اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، مسجد، ابزارها و موقعیتی را در اختیار دارد که به کمک آن می‌تواند به آموزش و افزایش شناخت دینی نمازگزاران بپردازد.

حجت‌الاسلام ذاکر می‌گوید: مسجد مکانی است که مسلمانان برای برپایی فرائض الهی و مناسک مذهبی در آن حاضر می‌شوند و این فرصت مناسبی است تا معارف و احکام دین نشر پیدا کند، البته نقش امام جماعت در این میان بسیار مهم است.

جامعه‌ای که در راه تحقق ارزش‌های اسلامی گام برمی‌دارد، هیچ‌گاه از دستبرد و تجاوز دشمنان دین ایمن نمی‌ماند، این رهنمود قرآن است «وَ لا یَزالُونَ یُقاتِلُونَکُم حَتّی یَرُدُّوکُم عَن دِینِکُم» کافران همواره با شما بر جنگند تا آنگاه که شما را از دینتان برگردانند.

■ **ایجاد دفاتر حقوقی در مسجدها**

معاون فرهنگی اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور با بیان اینکه امروز شاهد فعالیت‌هایی مانند کمک در تهیه جهیزیه و معرفی افراد در سنین ازدواج هستیم، ادامه می‌دهد: با جلسه‌ای که با مسئولان قوه قضائیه داشتیم در پی این هستیم دفاتر حقوقی در مسجدها ایجاد کنیم. این دفاتر به اختلافات رسیدگی و در مرحله ابتدایی رفع می‌کند، این فعالیت نیز در کنار سایر اقدامات مسجدها در حوزه‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی اجرایی می‌شود.

حجت الاسلام ذاکر تأکید می‌کند: در یک جمله می‌توان گفت مسجد تراز اسلامی مسجدی است که از وجوه مختلف، مرجع و پناه مردم باشد و برگزاری این جشنواره در این راستاست تا مسجدها به واسطه فعالیت‌های مختلف خود بازوی کمکی جامعه باشند.

او می‌گوید: امسال بیش از ۳۰۰ مسجد عضو شبکه محله‌محور هستند و قصد داریم با برگزاری این جشنواره این تعداد را به بیش از یک هزار مسجد برسانیم.

محله‌محور

در حال حاضر بیش از ۳۰۰ مسجد عضو شبکه محله‌محور در تهران فعالیت دارند و هر کدام در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اقدامات قابل توجهی را انجام داده‌اند.

دوران شیوع کرونا این مسجدها فعالیت‌های مختلفی انجام دادند که بسیاری از آن‌ها نه تنها سبب افزایش مشارکت مردم شد بلکه میزان هم‌افزایی در جامعه را ارتقا داد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر کلامه ۱۴۰۱/۱۱۲۲ و رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۷۱۱۴۰۰۲۱۵۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیروان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جعفرمحمدزاده مقدم فرزند برات محمد بشماره شناسنامه ۴۱۹ در شناسنگی یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۳۰ (متر مربع قسمتی از پلاک ۲۱ اصلی ابار آباد ناحیه ۱شیروان بخش۵لوجان حوزه ثبت ملک شیروان از محل مالکیت محمدحمید سلیمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند، بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات صادر خواهد شد. ۴۰۱۱۰۵۹۰-۱

تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۱/۰۸/۱۷ تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۱/۰۹/۰۲

علی محمودی - رئیس ثبت اسناد و املاک شیروان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت املاک میاندوآب

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسند رسمی (موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۲ آئین نامه قانون) هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت املاک شهرستان میاندوآب بشرح زیر تصرفات مالکانه و مالکانه اشخاص را تأیید و به جهت عدم دسترسی به مالکین مقر شده است پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد و علیهذا در اجرای ماده ۱۲ قانون مذکور و آئین نامه اجرائی آن مراتب در نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوق آگهی می شود و چنانچه اشخاص اعتراض داشته باشند حداکثر ظرف دو ماه از انتشار اولین آگهی اعتراض کتبی خود را مستقیماً به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میاندوآب تسلیم نموده و بلیط یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد و املاک میاندوآب، دادخواست خود را به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در غیر اینصورت سند مالکیت مورد تقاضای متصرفین براساس مدلول رأی صادره در حدود و مقررات صادر خواهد شد و صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

۱ - رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۳۰۰۶۰۲۰۲۲۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۰ تقاضای آقای داود حسن زاده فرزند حسن مبنی بر صدور سند مالکیت شناسنامه یک پلاک ۱۵۲۴ فرعی از یک - اصلی بخش ۴۱ مزاحه حوزه ثبتی میاندوآب واقع در میاندوآب خریداری شده از آقای خلیل عزیز پور به شماره پرونده ۱۴۰۱۰۶۰ هیات به مساحت ۴۸/۸۰ مترمربع که برای آن پلاک ۲۰۳۰۱۶۰ فرعی تعیین شده است . وقف ۱۶ ۰۹۵۰-۴۰۱۱

تاریخ انتشار نوبت اول : سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم : چهار شنبه ۱۴۰۱/۰۹/۰۷

سعید سیفی – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک میاندوآب

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و براساس رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۰۰۲۵۳۴ هیات اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم زهرا ابریشمی دیزقندی فرزند علی اکبر بشماره شناسنامه ۲۸۹۱۴ صادره از تربت حیدریه نسبت به دوثلث مشاع از ششدانگ یک قطعه به مساحت ۲۹۱/۷۵ متر مربع (دویست و نود و یک و هفتاد و پنج صدم متر مربع) قسمتی از پلاک ۲۶۷ فرعی از اراضی دیزقند پلاک ۲۳۱ اصلی دهستان ارمه واقع در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه خریداری از مالک رسمی علی اکبر ابریشمی محرز گردیده است . لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده

ادا اضیف الی البلاء کان من البلاء عافیه

چون بلا بر بلا فزاید، (نشانه) رهایی از بلا باشد.

قرآن

برگزاری مرحله نهایی جشنواره تلاوت‌های مجلسی در حرم مطهر رضوی

مرحله نهایی جشنواره تلاوت‌های مجلسی در استان خراسان رضوی در دارالقرآن الکریم حرم مطهر امام رضا(ع) برگزار شد. مدیر مرکز قرآن کریم آستان قدس رضوی در حاشیه برگزاری این مراسم گفت: هفدهمین جشنواره ملی تلاوت‌های مجلسی و دومین دوره بخش بین‌الملل جشنواره «قاری الجمهور» از دهم شهریور تا پایان بهمن‌ماه ۱۴۰۱ با حضور خادمان و مسئولان قرآنی حرم رضوی و اعضای مرکزی هیئات قرآنی حسینیه صاحب‌الزمانی‌های تهران در حال برگزاری است.

در مرحله نهایی جشنواره تلاوت‌های مجلسی در استان خراسان رضوی ۶ نفر برگزیده دور مقدماتی از جمله آقایان علی آسایش، کاظم اصغرزاده، ابراهیم جاویدی، سیداحمد حسینی، رضا رضایی و علیرضا کهندل با یکدیگر به رقابت پرداختند. انتخاب برترین قاریان جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مردم از جمله اهداف برگزاری این جشنواره است.

حجت‌الاسلام میریان در ادامه، توسعه فرهنگ قرآنی و معرفی قاریان برتر را از جمله نقاط عطف برگزاری این جشنواره برشمرد و اضافه کرد: کیفیت این دوره از جشنواره بسیار بالاست و در قالب این جشنواره چهره‌های جدیدی به ویژه قاریان جوان به مردم معرفی می‌شوند.

آستان

انتشار نشریه الکترونیکی میقات‌الرضا(ع)

به گزارش آستان‌نیوز، بیست و یکمین شماره از نشریه فرهنگی، اجتماعی و اطلاع‌رسانی میقات‌الرضا(ع) توسط آستان حضرت حسین بن موسی‌الکاظم(ع) منتشر و در فضای مجازی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. نوجوان بسیجی، جهاد تبیین، تفسیرالمیزان، تکنولوژی آینده، کتابخانه قلب جامعه و امر به معروف و نهی از منکر از جمله موضوعاتی است که در این شماره از نشریه الکترونیکی میقات‌الرضا(ع) به آن پرداخته شده است. صاحب امتیاز این نشریه، آستان مبارک حضرت حسین بن موسی‌الکاظم(ع) و سردبیر مهدی قاسم‌زاده است. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به پیام‌رسان‌های مجازی به آدرس https://eitaa.com/Mighatalreza و اینستاگرام https://instagram.com/mighatalreza از مطالب درج شده در این نشریه بهره‌مند شوند.

ضرورت معرفی جهانی مشهدالرضا(ع)

شهری که میراثدار تمدن رضوی است

بهمن دهستانی | گردآوری و معرفی میراث فکری و فرهنگی دانشمندان و متفکران در جوامع امروز علاوه بر آنکه از ضرورت‌های تقویت هویت ملی شمرده می‌شود؛ عامل ارتقای موقعیت بین‌المللی کشورها دانسته می‌شود.

تمدن اسلامی یکی از دیرینه‌ترین تمدن‌های بشری است که توانسته در گذر زمان، بر عمق خود بیفزاید و همواره به عنوان رکنی تأثیرگذار در تمدن بشری، ایفای نقش کند. در رویکردهای نوین به میراث فکری و تمدنی؛ احیای تراث و آثار معرفتی باقیمانده از گذشتگان همواره یک اصل اولیه است و بدون آن امکان شناخت و معرفی جایگاه و سهم تمدن‌ها وجود ندارد و در مرحله بعد تبدیل آن‌ها به فراورده‌های قابل استفاده در جوامع و جهان امروز مورد توجه قرار می‌گیرد.

بدون شک خراسان در طول تاریخ تمدن اسلامی از جایگاه رفیعی در علم، فرهنگ و سیاست برخوردار بوده و در مراحلی یکی از قطب‌های علم در سرزمین‌های اسلامی به شمار آمده است.

هجرت امام رضا(ع) به ایران نقطه عطفی در گسترش تکاپوهای علمی و گسترش علوم اسلامی در شرق تمدن اسلامی شد و موقعیت خراسان را به عنوان یک منطقه دانش‌محور در محافل مسلمانان تثبیت کرد. جغرافیای علم در خراسان از سبزوار تا هرات، مرو، بلخ، بخارا و سمرقند یا ماوراء النهر را در برمی‌گرفت. ظهور فقیهان، محدثان، مفسران، منجمان و ریاضیدانان نامدار در حوزه تمدنی و فرهنگی خراسان نشان‌دهنده جایگاه ممتاز آن در تاریخ جهان اسلام و بلکه تمدن آسیاست.

در این میان مشهدالرضا تا امروز از شهرهای میراثدار و محوری تمدن خراسان و در واقع تمدن رضوی است که دومین کلانشهر ایران و یکی از بزرگ‌ترین شهرهای جهان اسلام در منطقه غرب آسیاست که به مثابه یک حلقه مهم، آسیای میانه را به خاورمیانه عربی و مدیترانه پیوند می‌دهد.

با وجود آنکه شهرهای حوزه تمدنی خراسان علاوه بر ایران در کشورهای آسیای میانه قرار گرفته‌اند و برخی از آن‌ها پایتخت یا از مراکز مهم در آن دولت‌ها به شمار می‌روند اما مشهدالرضا یک قطب دینی، دانشگاهی و اقتصادی در میان آن‌هاست و از لحاظ ژئوپلتیک سرآمد شهرهای این ناحیه از جهان اسلام است.

ارتقای جایگاه تمدنی مشهد به عنوان یک قطب برجسته در دنیای اسلام نیازمند زیرساخت‌هایی است که احیای میراث فکری و تمدنی از ضروری‌ترین آن‌هاست.

در فرایندهای بین‌المللی دستیابی به منزلت الهام‌بخش در جهان اسلام بدون احیا، معرفی و عرضه شایسته میراث اندیشمندان و مفاخر ممکن نیست.

تمامی کشورها و شهرهای بین‌المللی نسبت به تبیین سهم خود در معرفت بشری و آنچه به کاروان علم افزوده‌اند اهتمام دارند و شهر مشهد نیز باید آنچه را به کتابخانه تمدن اسلام افزوده است، عرضه کند.

برای این مقصود، گردآوری جامع آنچه از دانشوران در علوم مختلف بر جای مانده است نخستین گام خواهد بود و باید در قالب یک کلان‌پروژه به چنین موضوعاتی نگریسته شود.

تجارب بین‌المللی نشان می‌دهد معمولاً برای ارتقای موقعیت بین‌المللی شهرها در زمینه‌های علمی و فکری، مراکزی به این منظور تأسیس می‌شود که به طور تخصصی فعالیت می‌کنند اما شهر مشهد با وجود آنکه از مؤسسه‌های پژوهشی بزرگ برخوردار است اما تاکنون اهتمام کافی و مستمر به احیای جامع میراث تمدنی خود نداشته است. این کم‌توجهی تقریباً تمامی دانش‌ها و رشته‌های علمی را در بر می‌گیرد. یعنی هنوز مشخص نیست دستاوردهای تمدن خراسان در نجوم به چه مقدار است با آنکه رصدخانه‌هایی در دوره‌های گذشته در این دیار ساخته شده است و یا فقیهان و محدثان تمدن رضوی چه کتاب‌ها و رساله‌هایی را تدوین کرده و به نگارش درآورده‌اند. ورود به این عرصه همزمان نیازمند یک نقشه علمی نیز هست تا استانداردهای علمی رایج بین‌المللی نیز تأمین شود.

کتابخانه کهن آستان قدس رضوی تمامی نسخه‌های خطی موجود در گنجینه خود را سال‌هاست انتشار داده و از این رو بخش قابل توجهی از ذخایر تمدن رضوی قابل دستیابی به نظر می‌رسد اما بهره‌برداری از آن‌ها نیازمند نهضت احیای میراث فکری و فرهنگی است. همزمان شناسایی دیگر آثار موجود در کتابخانه‌ها، مراکز و مؤسسه‌های کشورهای حوزه تمدنی خراسان یا مراکز اسناد کتابخانه‌ها و نهادهای علمی دنیا اقدام اساسی بعدی است که باید نسبت به آن همت گمارد.

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه خانم منصوره صفارزاده کرمانی باستناد ۲ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت ۳ سهم مشاع از ۹ سهم ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به شماره پلاک ۲۹۸ فرعی از ۴ فرعی از ۶۲ اصلی بخش ۱۲ مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد ششدانگ مالکیت نامبرده در ذیل شماره دفتر املاک الکترونیک ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۰۳۰۰۷۲۱۴ بنام منصوره صفارزاده کرمانی ثبت و سند به شماره چاپی ۰۸۲۶۵۴ الف ۹۶ صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد.....

لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۶۰۴ آ-۴۰۱۱۱۴۵۰

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد مقدس- علی فضلی

از طرف رستم عبدالهی

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه آقای مهدی توتونچی به وکالت از خانم‌ها سالومه و سپیده و سایه توتونچی اول فرزندان مهدی به موجب وکالتنامه شماره ۱۵۰۱۲۶ مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۲ دفترخانه ۶۴ مشهد به استناد ۶ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی سه سهم مشاع از ۹ سهم ششدانگ پلاک ثبتی ۲۹۸ فرعی از ۴ از ۶۲ اصلی بخش ۱۲ مشهد که متعلق موکلین وی میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است و با بررسی دفتر املاک معلوم شد سه سهم مشاع از ۹ سهم ششدانگ پلاک ثبتی ۲۹۸ فرعی مذکور شد دفاتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۰۳۰۰۷۲۱۲ و ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۰۳۰۰۷۲۱۱ و ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۰۷۲۱۰ بـه نـام خانم‌ها سـالومه و سـپیده و سایه توتونچی اول فرزندان مهدی بالسویه ثبت و اسناد چاپی ۰۸۲۶۵۲ و ۰۸۲۶۵۱ و ۸۲۶۵۰ الف ۹۶ صادر گردیده است دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند رسمی معامله به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا عدم وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی، نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۶۰۵ آ-۴۰۱۱۱۴۵۱

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد- علی فضلی

از طرف رستم عبدالهی

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه آقای مهدی توتونچی به وکالت از خانم‌ها سالومه و سپیده و سایه توتونچی اول فرزندان مهدی به موجب وکالتنامه شماره ۱۵۰۱۲۶ مورخ ۱۳۹۷/۴/۱۲ دفترخانه ۶۴ مشهد به استناد ۶ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی سه سهم مشاع از ۹ سهم ششدانگ پلاک ثبتی ۲۹۷ فرعی از ۴ از ۶۲ اصلی بخش ۱۲ مشهد که متعلق موکلین وی میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است و با بررسی دفتر املاک معلوم شد سه سهم مشاع از ۹ سهم ششدانگ پلاک ۲۹۷ فرعی مذکور مشهد ذیل دفاتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۰۳۰۰۷۲۱۹ و ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۰۳۰۰۷۲۱۸ و ۱۳۹۷۲۰۳۰۶۰۰۷۲۱۶ بـه نـام خانم‌ها سـالومه و سپیده و سایه توتونچی اول فرزندان مهدی ثبت و اسناد چاپی ۰۸۲۶۶۰ و ۰۸۲۶۵۶ و ۰۸۲۶۵۸ صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد.

لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد، بایستی ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند رسمی معامله به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقـرر و یا عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی، نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۶۰۶ آ-۴۰۱۱۱۴۵۲

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد- علی فضلی

از طرف رستم عبدالهی

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه آقای محمدجواد خزاعی و به استناد دو برگه استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنـی شـشـدانگ اعیان یک باب منزل پلاک ثبتی ۲۰۵۸ فرعـی از ۲۰ اصلی واقع در بخش ۹ ناحیه حوزه ثبت ملک مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است و با بررسی دفتر املاک معلوم شـد شـشـدانگ اعیان یک باب منزل پلاک ثبتی ۲۰۵۸ فرعی از ۲۰ اصلی واقع در بخش ۹ ناحیه حوزه ثبت ملک مشهد به ذیل دفتر املاک ۷۹۹ و شماره صفحه ۴۱۳ و شماره ثبت ۱۵۹۸۷۸ و سند شماره چاپی ۴۴۲۸۲۰ به نام محمدجواد خزاعی صادر گردیده است، دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد و این بخشنامه به استناد تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰- آئین‌نامه قانون ثبت املاک صادر گردید، دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۶۰۷ آ-۴۰۱۱۱۴۵۴

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد- علی فضلی

از طرف رستم عبدالهی

آگهی فقدان سند مالکیت پلاک ۵۰۱۷فرعی از ۱۱۴-اصلی

آقای محمدمتشـابهی فرزندسـیف اله بموجب وکالتنامه شماره۴۲۷۸۵مورخ۱۳۹۹،۶،۲۶دفتراسنادرسمی شماره ۷پیشوا باعلام مفقود شدن سندمالکیت خانم اعظم نادری کاظم آبادی ملک موردآگهی باتسلیم استشهادیه گواهی امضاء شـده ذیل شـماره۱۴۰۱۰۲۱۵۴۳۴۹۰۰۱۰۵۱مورخ۱۴۰۱،۶،۲۷در دفتر اسنادرسمی شماره ۱۴۸۱تهران و طی درخواست وارده به شماره ۱۴۰۱۸۵۶۰۱۰۴۶۰۰۰۳۸۱۴مورخ۱۴۰۱،۷،۱۲.تقاضای صدور سند مالکیت المثنی رانموده اسـت که مراتب دراجرای ماده۱۲۰آیین نامه قانون ثبت بشـرح زیرآگهی می گردد ۱. نام ونام خانوادگی : خانم اعظم نادری کاظم آبادی فرزندحسین۲-شماره پلاک:۵۰۱۷فرعی از۱۱۴-اصلی ۳-واقع دربخش بهنام سوخته ۴-علت ازبین رفتن : نقل وانتقال(جابجایی اثاثیه) خلاصه وضعیت ملکیت: ششـدانگ آپارتمان مسـکونی سمت مرکزی طبقه سه به مسـاحت ۶۲،۰۸ مترمربع قطعه۱۱۱تحت پلاک۵۰۱۷فرعی از۱۱۴-اصلی مفروزاز۱۴۳۹واقع دربخش بهنام سـوخته پیشوابنام اعظم نادری کاظم آبادی ثبت گردیده است وبرابرسندرهنی شماره۳۵۲۵۳مورخ ۹۳،۱۲،۲۴دررهن بانک مسـکن پیشـوا قرارگرفته است.لذاباتوجه به اعلام فقدان سـندمالکیت اولیه ودرخواست صدورسـندمالکیت المثنی نوبت اول مراتب اعلام تاهرکس نسـبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که درقسمت چهارم این آگهی ذکرنشده یامدعی وجوداصل سندمالکیت نزد خودمی باشدظرف مدت ده روزپس ازانتشاراین آگهی به اداره ثبت اسناد واملاک پیشوامراجعه واعتراض کتبی خودرا ضمن ارائه اصل سندمالکیت یا سندمعامله تسلیم نماید وچنانچه ظرف مهلت مقرراعتراض نرسـدویادرصورت اعتراض اصل سندمالکیت یاسندمعامله ارائه نشوداداره ثبت نسبت به صدورسند المثنی مالکیت طبق مقررات جاری، صادر وبه متقاضی تسلیم خواهد کرد./ نشانی ثبت محل :پیشوا-خ شریعتی-طبقه فوقانی درمانگاه فردوس اداره ثبت اسنادواملاک پیشوا. م الف۱۷۴ آ-۴۰۱۱۱۴۴۰

رئیس اداره ثبت اسنادواملاک پیشوا

آگهی فقدان سند مالکیت پلاک۶۸۲۹فرعی از ۲۸۲-اصلی

آقای مصطفی تاجیک خاوه فرزندمرتضی بموجب وکالتنامه شماره۴۸۰۸۸مورخ۱۳۹۷،۵،۱۷دفتراسنادرسمی شماره ۶پیشوا باعلام مفقود شدن سندمالکیت خانم زینی هاشمی کربلائی ملک موردآگهی باتسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره۱۴۰۱۴۴۴۵۱۲۵۶۰۰۰۸۲۳مورخ۱۴۰۱،۸،۲۱در دفتر اسنادرسمی شماره ۶پیشوا و طی درخواست وارده به شماره ۱۴۰۱۸۵۶۰۱۰۴۶۰۰۴۹۱۷مورخ۱۴۰۱،۸،۲۱.تقاضای صدور سند مالکیت المثنی رانموده است که مراتب دراجرای ماده۱۲۰آیین نامه قانون ثبت بشرح زیرآگهی می گردد ۱. نام ونام خانوادگی : خانم زینب هاشمی کربلائی۲-شـماره پلاک:۶۸۲۹فرعی از۲۸۲-اصلی واقع دربخش بهنام سـوخته ۳-علت ازبین رفتن : گم شـدن- خلاصه وضعیت ملکیت: ششدانگ عرصه واعیان آپارتمان سمت شرقی طبقه سوم به مساحت ۶۲،۰۸ مترمربع قطعه ۸ تحت پلاک۶۸۲۹فرعی از۲۸۲-اصلی مفروزومجزی از۹۰۲فرعی ازاصلی مذکورواقع دربخش بهنام سوخته پیشوابه شـماره دفترالکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۰۴۶۰۰۰۹۹۴به نام زینب هاشـمی کربلائی ثبت وسـندمالکیت به شماره چاپی ۴۱۵۳۲۵-۹۶-ج صادروتسلیم گردیده است.ضمناطبق سندرهنی شماره۲۹۴۶۹مورخ۱۳۸۹،۷،۱۴دفترخانه اسنادرسـمی شماره۶شهرپیشواسـتان تهران دررهن بانک مسـکن شـعبه پیشـواقرارگرفته اسـت وموافقتنامه بانکـی شماره۲۲۰۶-۱۶۲۱مورخ۱۴۰۱،۸،۲۸میباشـد.لذاباتوجه به اعلام فقدان سـندمالکیت اولیه ودرخواسـت صدورسـندمالکیت المثنی نوبت اول مراتب اعلام تاهرکس نسـبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که درقسمت چهارم این آگهی ذکرنشده یامدعی وجوداصل سندمالکیت نزد خودمی باشدظرف مدت ده روزپس ازانتشاراین آگهی به اداره ثبت اسناد واملاک پیشوامراجعه واعتراض کتبی خودرا ضمن ارائه اصل سندمالکیت یا سندمعامله تسلیم نماید وچنانچه ظرف مهلت مقرراعتراض نرسـدویادرصورت اعتراض اصل سندمالکیت یاسندمعامله ارائه نشوداداره ثبت نسبت به صدورسند المثنی مالکیت طبق مقررات جاری، صادر وبه متقاضی تسلیم خواهد کرد./ نشانی ثبت محل :پیشوا-خ شریعتی-طبقه فوقانی درمانگاه فردوس اداره ثبت اسنادواملاک پیشوا. م الف۱۷۶ آ-۴۰۱۱۱۴۴۱

رئیس اداره ثبت اسنادواملاک پیشوا

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک سنگر
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۸۰۱۸۰۰۰۱۵۵۱مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۳هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمانهای فاقد سند رسمی مسـتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سنگر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مرتضی تاریخی پور فرزند رضا بشماره ملی ۰۰۵۱۹۶۶۱۰۷ در ششدانگ یک باب خانه و محوطه به مساحت ۶۱۶/۵۸متر مربع که مقدار ۴۲۷ مترمربع آن با کاربری مسکونی و مابقی در حقوق ارتفاقی و در حریم راه ۲۵ متری اسـت مجزی شـده از پلاک ۸۲ فرعی از سنگ ۳ اصلی واقع در قریه رود برده بخش ۱۲ گیلان که برای آن پلاک شماره ۳۱۴۸ فرعی در نظر گرفته شده خریداری از مالک رسمی غلام غلامی محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۸۱۰ آ-۴۰۱۱۱۴۴۲

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۰۹/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/ ۰۹/۱۹

علی کاظمی پاکدل-رئیس ثبت اسناد و املاک

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان گیلان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک سنگر
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۸۰۱۸۰۰۰۶۴۴مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۳۱هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمانهای فاقد سند رسمی مسـتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سنگر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مرتضی تاریخی پور فرزند رضا بشماره ملی ۰۰۵۱۹۶۶۱۰۷ در ششدانگ یک باب خانه و محوطه به مساحت ۵۸۴/۷۰متر مربع که مقدار ۵۸۴/۴۰مترمربع آن با کاربری مسکونی است مجزی شده از پلاک ۴۱ فرعی از سنگ ۱ اصلی واقع در قریه طالم سـه شـنبه بخش ۱۲ گیلان که برای آن پلاک شماره ۸۰۷ فرعی در نظر گرفته شده خریداری از مالک رسمی زین العابدین رجعبلی پور محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۸۱۲ آ-۴۰۱۱۱۴۴۳

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۰۹/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/ ۰۹/۱۹

علی کاظمی پاکدل-رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند نظر به دستور مواد ۱ و ۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زبرخان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی حسین ایروانی فرزند علی به شماره شناسنامه ۱۰۷۱ صادره از قدمگاه دریک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۹۴۷/۶ متر مربع در قسمتی از پلاک ۲۱۸ فرعی از ۳۸ اصلی بخش ۴ زبرخان واقع در اراضی اردوغش خریداری از مالک رسمی آقای محمد ابراهیم خر قانی فرزند کاظم محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ-۴۰۱۱۱۴۴۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷

سید حسن پورموسوی -رئیس ثبت اسناد واملاک زبرخان

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم فرانک راحتی(اصالتا و وکالتا) فرزند مرحوم حسنقلی راحتی و ایشان نیز فرزند حاج غلام راحتی مالک به شـماره ملی ۰۷۷۹۴۹۸۷۹۸ به اسـتناد دو برگ استشـهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیت ۴۲ ساعت از مدار ۲۸۸ ساعت قنات کلاته قرقین پلاک ۱۳۳-اصلی بخش ۷ قوچان که متعلق به نامبرده می باشد بعلت نامعلومی مفقود شده است با بررسی دفتر املاک معلوم شد مقدار ۴۲ سهم مشاع از مدار ۲۸۸ ساعت (۱۲ شبانه روز)یک رشته قنات دایـر کلاته قرقین پـلاک ۱۳۳ اصلی قطعه ۷ درگز بخش ۷ قوچان ذیل ثبت ۱۳۳۰ دفتر یک قنوات صفحه ۲۸۹ به نام آقای غلام راحتی فرزند خداوردی ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده است.دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد لذا به استناد مفاد ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند وفق مقررات اقدام می گردد. آ-۴۰۱۱۱۴۴۵

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک درگزناصر حسن زاده

رونوشت اگهی حصروراثت

خانم سناز بزمانی به شماره ملی ۳۵۹۰۸۲۱۰۶۱ به شرح دادخواست به کلاسه پرونده شماره ۱۰۸/۱/۱۴۰۱ از این شـورا درخواسـت گواهی انحصروراثت نموده و چنین توضیح داده است که شادروان غلامعلی فلاح پور بشناسنامه ۴۲۵ در تاریـخ ۸۵/۸/۱۰ اقامتـگاه دائمی خـود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت ان مرحوم منحصر اسـت به : ۱- متقاضی با مشـخصات فوق همسـر متوفی ۲- حمیدالدین فلاح به شـماره ملی ۳۵۹۰۸۲۶۴۵۲ پسـر متوفی ۳- صغری فلاح پور به شماره ملی ۳۵۹۱۰۸۱۰۵۱ دختر متوفی ۴- اله بخش فلاح پور به شماره ملی ۳۵۹۱۰۸۱۷۷۹ پسـر متوفی ۵- کاظم فلاح پور به شـماره ملی ۳۵۹۱۰۸۱۸۶۸ پسـر متوفی ۶- موسی فلاح پور به شـماره ملی ۳۵۹۱۰۸۲۶۰۰ پسـر متوفی ۷-مجید فلاح پور به شماره ملی ۳۵۸۰۳۱۸۹۴۲ پسر متوفی ۸-مریم فلاح پور به شـماره ملی ۳۵۹۱۰۸۱۰۶۱ دختر متوفی ۹-حسین فلاح پور به شماره ملی ۳۵۹۱۰۸۱۷۸۷ پسـر متوفی ۱۰-مرضیه فلاح پور به شـماره ملی ۳۵۹۱۰۸۲۴۱۴ دختر متوفی ۱۱-جواد فلاح پور به شماره ملی ۳۵۹۱۷۷۶۱۶۵ پسر متوفی .

اینک با اتمام تشریفات قانونی درخواست مزبور در یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراض یا وصیت نامه از وی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف مدت یکماه (۳۰روز) به دادگاه عمومی بخش بزمان تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد . آ-۴۰۱۱۱۴۴۶

رئیس شورای حل اختلاف شماره یک بزمان – اکبر گلشن

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک
آگهی فقدان سند مالکیت

آقای وفات اله عسگری فرخ و خانم شازنان نظری طبق درخواست به شماره وارده ۳۰۰۵۲ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۵ و با تقدیم دو برگ فرم استشهادیه محلی مصدق شده به شمارگان ۱۰۵۶۶ و ۱۰۵۶۷ دفتر ۱۲۸ مدعی هستند که اسناد مالکیت ششـدانگ پلاک ۱۴۴۵۰ فرعی از ۱۳۸ اصلی بخش یک حومه به علت سهل انگاری مفقود شده است که وضعیت ثبتی پلاک مرقوم به شرح ذیل اعلام می گردد.

مشخصات ملک: یک قطعه آپارتمان مسکونی نوع ملک طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۱۴۴۵۰ فرعی از ۱۳۸ اصلی مفروز و مجزا شده از ۹۸۶فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۴ در طبقه ۲ به مساحت ۱۲۰،۰۷ متر مربع

مشخصات مالکیت: مالکیت شازنان/نظری فرزند احمد شـماره شناسنامه ۱۹۶ تاریخ تولد ۱۳۲۸/۰۵/۰۷ صادره از کرمانشاه دارای شماره ملی ۳۲۵۵۱۳۰۶۱۱ با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۹۶۰۷ تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۹ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۷۷ شهر کرمانشاه استان کرمانشاه، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۱۲۴۴۳۸ سری الف سال ۹۶ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۶۲۰۳۱۶۰۰۱۰۱۳